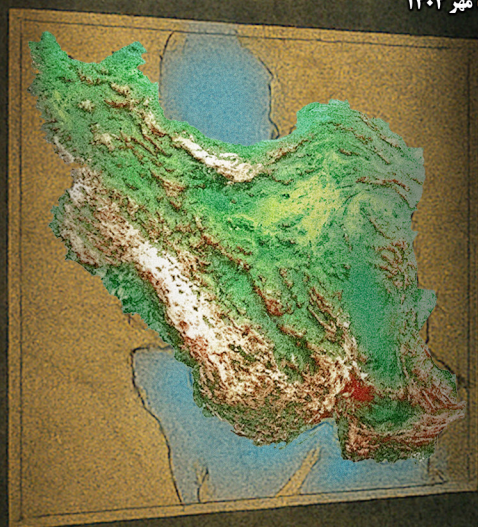


جغیرتی

ماہنامہ سیاسی، فرهنگی، قانون منہاج نہاد رہبری دانشگاه شهید بهشتی
سال اول • شماره سوم • مهر ۱۴۰۴





ماهنامه بصیرت

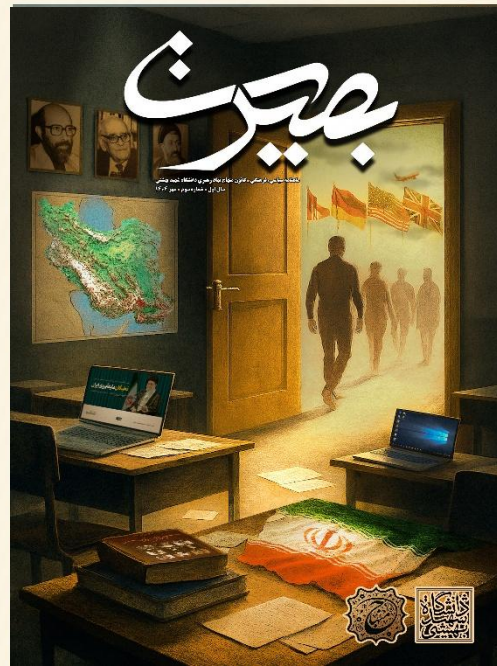
صاحب امتیاز نشریه
کانون منهاج نهاد رهبری

مدیر مسئول
محمدصادق دانشجو

سر دبیر
میلاد قزلسفلو

ویراستار
مریم رنجبر

طراح جلد و صفحه آرا
گروه سیاست بهشتی



ماهنامه بصیرت/شماره سوم/ مهر ۱۴۰۴

فهرست

- ۱.....مقدمه سردبیر
- پرونده ویژه
- ۲.....مهاجرت نخبگان؛ ریشه‌ها، پیامدها و راهکارهای جلوگیری از خروج نخبگان
- بخش تحلیلی
- ۴.....یادداشت تحلیلی: تدبیر مقام معظم رهبری
- ۶.....مشارکت مردمی؛ حلقه‌ی مفقوده اقتصاد کشور
- ۸.....چرا فناوری هسته‌ای ایران تحولی تاریخی است
- بخش دستاورد های انقلاب اسلامی
- ۱۰.....دستاورد های سیاسی و دفاعی (استقلال ملی و اقتدار نظامی)
- بخش گفتگو و یادداشت اساتید
- ۱۲.....بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان
- بخش معرفی کتاب
- ۱۷.....معرفی کتاب چهل حکمت نبوی

مقدمه سردیر

سومین شماره از ماهنامه بصیرت در شرایطی منتشر می شود که جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند تحلیل دقیق، نگاه نقادانه و امیدآفرینی در عرصه های علمی، فرهنگی و اجتماعی است. ما در این شماره نیز بر آن شدیم تا به سنت همیشگی مجله، تحولات راهبردی ایران و جهان را از زاویه ای روشن گرانه بازخوانی کنیم و بستری برای گفت و گوی علمی و فکری میان دانشجویان، پژوهشگران و دغدغه مندان فراهم آوریم.

پرونده ویژه این شماره به یکی از مهم ترین چالش های دهه اخیر اختصاص یافته است: مهاجرت نخبگان و راهکارهای جلوگیری از خروج سرمایه انسانی کشور. سعی بر آن است که این موضوع را نه صرفاً از منظر آسیب شناسی، بلکه با رویکرد ارائه راه حل و از دریچه ی بیانات رهبر معظم انقلاب مورد توجه قرار دهیم. امید داریم این بخش بتواند هم طرح مسئله کند و هم مسیرهایی برای آینده ای روشن تر پیش پای مخاطبان بگذارد.

در کنار پرونده ی ویژه، این شماره از ماهنامه بصیرت به محورهای متنوع دیگری نیز پرداخته است. در بیانات رهبری، کوشیده ایم رهنمودهای معظم له را در حوزه های گوناگون با نگاهی تحلیلی و کاربردی بررسی کنیم؛ دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران را به بازخوانی پیشرفت های علمی، فناوری و اجتماعی کشور در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی اختصاص داده ایم؛ و در ادبیات و هنر انقلابی، نقش زبان و بیان هنری را در تبیین ارزش ها و مفاهیم انقلاب اسلامی واکاوی کرده ایم. از نویسندگان، پژوهشگران و دانشجویانی که با قلم و اندیشه خود در مسیر روشن تر ساختن افق های پیش روی جامعه سهیم بوده اند، صمیمانه قدردانی می کنیم. باور ما این است که هر نوشتار علمی و فرهنگی که در خدمت ارتقای فهم عمومی و ارائه راه حل برای مسائل امروز قرار گیرد، گامی مؤثر در عبور از چالش ها و زمینه ساز آینده ای پایدار و امیدبخش برای ایران خواهد بود.

مهاجرت نخبگان؛ ریشه‌ها، پیامدها و راهکارهای جلوگیری از خروج سرمایه‌ی انسانی در ایران

عبدالحمید دهقانی

پژوهشگر و دانشجوی دکتری شیمی آلی دانشگاه کاشان

می‌کنند که توانایی‌ها و ایده‌هایشان در ساختارهای غیرشفاف به حاشیه رانده شده و فرصت‌هایشان برای اثرگذاری محدود است. در سطح فرهنگی، تصویر آرمانی از زندگی در جوامع غربی، همراه با کاهش حس مسئولیت اجتماعی به دلیل سرخوردگی‌های مکرر، انگیزه‌ی مهاجرت را تقویت می‌کند. این عوامل به صورت یک چرخه‌ی بازخوردی عمل می‌کنند: ناکامی‌های اقتصادی به بی‌اعتمادی اجتماعی منجر می‌شود، بی‌اعتمادی انگیزه‌ی مشارکت را کاهش می‌دهد و مهاجرت به عنوان راه‌حلی فردی برای دستیابی به شرایط بهتر برجسته می‌شود. این چرخه، نخبگان را از کنشگران فعال توسعه به افرادی منزوی تبدیل می‌کند که آینده‌ی خود را در خارج از مرزها جست‌وجو می‌کنند.

پیامدهای مهاجرت نخبگان

پیامدهای مهاجرت نخبگان، همانند ریشه‌های آن، به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته، تمام لایه‌های جامعه‌ی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آینده‌ی توسعه‌ی کشور را به چالش می‌کشد. از منظر اقتصادی، خروج متخصصان به کاهش بهره‌وری، کندی نوآوری و هدررفت سرمایه‌گذاری‌های کلان در آموزش عالی منجر می‌شود. این امر، کشور را در چرخه‌ای از وابستگی به فناوری و تخصص خارجی گرفتار می‌سازد که رشد اقتصادی را در بلندمدت مختل می‌کند. در سطح اجتماعی، فقدان نخبگان به تضعیف سرمایه‌ی اجتماعی منجر می‌شود. جوانان با مشاهده‌ی خروج الگوهای موفق خود، امید به آینده را از دست می‌دهند و این ناامیدی، شکاف میان جامعه و نهادهای حاکمیتی را عمیق‌تر می‌کند. از منظر فرهنگی، کاهش حضور نخبگان به افت تولید دانش بومی و تضعیف جایگاه علمی ایران در عرصه‌ی جهانی می‌انجامد. این مسئله نه تنها نفوذ فرهنگی کشور را کاهش می‌دهد، بلکه در حوزه‌های راهبردی، مخاطرات امنیتی ایجاد می‌کند، زیرا وابستگی به تخصص خارجی می‌تواند استقلال ملی را به خطر اندازد. در حقیقت، مهاجرت نخبگان فراتر از خروج افراد، به مثابه‌ی فرسایش

پدیده‌ی مهاجرت نخبگان در ایران، فراتر از خروج فیزیکی افراد، بازتابی از پیچیدگی‌های عمیق در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. از منظر جامعه‌شناسی، نخبگان به عنوان کنشگران کلیدی در فرآیند توسعه، نقشی محوری در تولید دانش، تقویت سرمایه‌ی اجتماعی و پیشبرد پیشرفت‌های اقتصادی و علمی ایفا می‌کنند. با این حال، هنگامی که این سرمایه‌های انسانی به جای مشارکت در ساخت آینده‌ی کشور، مهاجرت را انتخاب می‌کنند، پرسش‌هایی بنیادین درباره‌ی انسجام اجتماعی، اعتماد به نهادها و چشم‌اندازهای جمعی مطرح می‌شود. این مقاله با رویکردی تحلیلی و سیستمی، به بررسی ریشه‌های مهاجرت نخبگان، پیامدهای آن بر توسعه‌ی ایران و راهکارهای عملی برای حفظ و بهره‌مندی از این سرمایه‌ی انسانی می‌پردازد. هدف، ارائه‌ی چارچوبی منسجم است که با ایجاد پیوندی سیال میان عوامل، پیامدها و راهکارها، نه تنها این پدیده را تبیین کند، بلکه مسیری برای تبدیل تهدید مهاجرت به فرصتی برای پیشرفت ترسیم نماید.

ریشه‌های مهاجرت نخبگان در ایران

ریشه‌های مهاجرت نخبگان در ایران، مانند شبکه‌ای درهم‌تنیده، از عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نشأت می‌گیرد که به صورت یکپارچه بر تصمیم‌گیری نخبگان اثر می‌گذارند. از منظر اقتصادی، محدودیت‌های ساختاری نظیر کمبود فرصت‌های شغلی متناسب با تخصص، نابرابری درآمدی و سرمایه‌گذاری ناکافی در پژوهش و توسعه، نخبگان را به سوی بازارهای جهانی سوق می‌دهد. برای مثال، یک پژوهشگر در حوزه‌ی فناوری‌های پیشرفته ممکن است در ایران با فقدان زیرساخت‌های لازم و بودجه‌های محدود مواجه شود، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته امکانات گسترده‌ای برای نوآوری و درآمدهای متناسب ارائه می‌دهند. این شکاف اقتصادی با عوامل سیاسی و اجتماعی گره می‌خورد. محدودیت‌های آزادی علمی، ضعف شایسته‌سالاری و بوروکراسی‌های ناکارآمد، حس تعلق نخبگان به جامعه را تضعیف می‌کند. نخبگان اغلب احساس



همکاری میان نخبگان داخل و خارج کشور، نه تنها امکان تبادل دانش را فراهم می‌آورد، بلکه زمینه‌ساز بازگشت تدریجی مهاجران نیز می‌شود. این راهکارها با پیوند دادن انگیزه‌های فردی به اهداف جمعی، نخبگان را از کنشگران منزوی به معماران توسعه تبدیل می‌کنند. در این چارچوب، مهاجرت دیگر نه یک پایان، بلکه نقطه‌ای آغازی برای بازسازی رابطه‌ی میان نخبگان و جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مهاجرت نخبگان در ایران، چالشی است که ریشه در ناکارآمدی‌های ساختاری و پیامدهایی گسترده در تمام ابعاد توسعه دارد. با این حال، از منظر جامعه‌شناختی، این پدیده می‌تواند به فرصتی برای بازاندیشی در سیاست‌ها و بازسازی انسجام اجتماعی تبدیل شود. حفظ سرمایه‌ی انسانی نیازمند بازسازی اعتماد، تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد چشم‌اندازی مشترک برای آینده است. با اجرای راهکارهای پیشنهادی، ایران می‌تواند نه تنها از خروج نخبگان جلوگیری کند، بلکه با تبدیل آنان به کنشگران فعال توسعه، مسیری روشن به سوی پیشرفت پایدار هموار سازد. این تحول، نیازمند اراده‌ای جمعی برای بازتعریف رابطه‌ی میان نخبگان و جامعه است تا ظرفیت‌های بی‌نظیر ایران برای آینده‌ای درخشان به کار گرفته شود.

تدریجی ظرفیت‌های جامعه برای بازتولید خود عمل می‌کند. این پیامدها چرخه‌ای از ناامیدی و عقب‌ماندگی را تقویت می‌کنند که ریشه‌های مهاجرت را عمیق‌تر ساخته و پدیده‌ای خودتقویت‌شونده پدید می‌آورند که توسعه‌ی پایدار را به خطر می‌اندازد.

راهکارهای جلوگیری از خروج نخبگان

برای گسستن این چرخه‌ی معیوب و تبدیل تهدید مهاجرت به فرصتی برای توسعه، راهکارهایی چندلایه و منسجم مورد نیاز است که به‌طور هم‌زمان ریشه‌ها و پیامدهای این پدیده را هدف قرار دهد. در سطح اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی تخصصی با درآمدهای رقابتی و افزایش سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه، می‌تواند انگیزه‌ی ماندن را تقویت کند. حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و ارائه‌ی مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی، جایگزینی جذاب برای فرصت‌های خارجی فراهم می‌کند. در سطح سیاسی و اجتماعی، اصلاحات ساختاری برای تقویت شایسته‌سالاری، افزایش شفافیت و ایجاد فضای باز برای فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای، حس تعلق نخبگان را بازسازی می‌کند. این امر مستلزم حذف موانع بوروکراتیک و تسهیل دسترسی به منابع علمی بین‌المللی است. در سطح فرهنگی، بازآفرینی مفهوم «امید به آینده» از طریق تدوین چشم‌اندازهای ملی روشن و معرفی الگوهای موفق نخبگان داخلی، حس مسئولیت اجتماعی را تقویت می‌کند. ایجاد شبکه‌های

یادداشت تحلیلی: تدبیر مقام معظم رهبری

علی پورقاسم

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

چالش را به‌خوبی نشان می‌دهد. بر اساس گزارش مؤسسه‌ی مطالعات راهبردی لندن، بیش از ۸۷ درصد از کشورهای خاورمیانه در پنج دهه‌ی گذشته نتوانسته‌اند راهبردهای توسعه‌ای پایدار و بلندمدت را با موفقیت اجرا کنند. داده‌های بانک جهانی نیز نشان می‌دهد که نوسانات شدید در شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در این منطقه، مستقیماً با عدم ثبات راهبردی در سطوح حاکمیتی مرتبط است. از سوی دیگر، پژوهش‌های میدانی دانشگاه آکسفورد در یازده کشور منطقه نشان داده است که تنها ۲۳ درصد از تصمیمات کلان در این کشورها مبتنی بر تحلیل‌های راهبردی بلندمدت بوده و مابقی صرفاً واکنشی به تحولات لحظه‌ای بوده‌اند. این آمارها به‌وضوح نشان می‌دهد که فقدان رهبری راهبردی یکی از چالش‌های اساسی توسعه در منطقه است.

در بافت ایرانی، این چالش ابعاد پیچیده‌تری به خود گرفته است. جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه‌ی گذشته با تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های مختلف مواجه بوده که نیازمند رویکردی راهبردی و همه‌جانبه بوده است. ساختارهای نهادی پیچیده، تنوع فرهنگی بالا، موقعیت ژئوپلیتیک حساس و فشارهای خارجی مستمر بر پیچیدگی فضای تصمیم‌گیری افزوده‌اند. از منظر فرهنگی، جامعه‌ی ایرانی با ترکیبی از سنت و مدرنیته روبه‌روست که مدیریت آن را دشوار می‌سازد. از نظر نهادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و ضرورت هماهنگی میان نهادهای سنتی و مدرن، بر چالش‌های موجود افزوده است. همچنین، تحولات فناورانه و ظهور فضای مجازی بعد جدیدی به این پیچیدگی‌ها افزوده است. در چنین بافت پیچیده‌ای، طراحی و اجرای راهبردهای کلان نیازمند درکی عمیق از همه‌ی این ابعاد است.

در این چارچوب، تدابیر راهبردی مقام معظم رهبری جمهوری اسلامی ایران (آیت‌الله خامنه‌ای) توانسته است بر چالش‌های پیچیده‌ی رهبری راهبردی در بافت ایرانی فائق آید. با مطالعه و تحلیل نظام‌مند رویکردهای ایشان در مواجهه با مسائل کلان کشور و با بررسی موردی تدابیر مختلف، می‌توان الگویی تحلیلی از

حوزه‌ی رهبری و مدیریت استراتژیک در نظام‌های سیاسی پیچیده، به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های مطالعات سیاسی و مدیریتی معاصر شناخته می‌شود. در این چارچوب، توانایی رهبران در پیش‌بینی تحولات آینده، تدوین راهبردهای کلان و ایجاد تحول در ساختارهای موجود، موضوعی به شمار می‌رود که در ادبیات آکادمیک مورد توجه قرار گرفته است. نظریه‌پردازانی مانند جان گاردینر بر این باورند که رهبری تحول‌آفرین در شرایط بحرانی، نیازمند ترکیبی از بینش عمیق، توانایی تحلیل روندهای تاریخی و ظرفیت بسیج منابع است. در جهان امروز که با تحولات سریع ژئوپلیتیکی، تغییرات فناورانه و چالش‌های امنیتی متعدد مواجه است، مطالعه‌ی موردی رهبرانی که توانسته‌اند در چنین بستر پیچیده‌ای راهبردهای مؤثر توسعه‌ای ارائه دهند، از اهمیت بالایی برخوردار است. این حوزه‌ی مطالعاتی تنها به بررسی تصمیمات لحظه‌ای محدود نمی‌شود، بلکه بر تحلیل فرآیندهای فکری، روش‌های تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های کلان در دوره‌های زمانی ممتد متمرکز است.

وضعیت فعلی دانش در حیطه‌ی رهبری راهبردی نشان می‌دهد که ادبیات دانشگاهی عمدتاً بر نمونه‌های غربی و شرقی متمرکز بوده و کمتر به مطالعه‌ی نظام‌مند تجربیات رهبری در بسترهای فرهنگی-تاریخی خاص پرداخته است. به‌عنوان مثال، پژوهش‌های رابرت کاپلان نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات رهبری در چارچوب نظریه‌ی لیبرال‌دموکراسی صورت گرفته و ظرفیت‌های تحلیلی محدودی برای درک این پدیده در نظام‌های مبتنی بر ارزش‌های دینی-بومی دارند. از سوی دیگر، مطالعات تطبیقی دانشگاه هاروارد ثابت کرده است که رویکردهای رهبری در جوامع در حال توسعه اغلب واکنشی و کوتاه‌مدت‌اند و فاقد چشم‌اندازهای راهبردی پایدار به شمار می‌روند. این شکاف تحلیلی به‌وضوح در مطالعات مربوط به خاورمیانه مشهود است؛ منطقه‌ای که تغییرات نسبتاً سریع سیاسی و امنیتی، امکان تدوین و اجرای راهبردهای پایدار را با چالش مواجه ساخته است. آمارهای منتشرشده توسط مراکز پژوهشی بین‌المللی، عمق این

بود تا از حرکت‌های متفرق و جزیره‌ای دستگاه‌ها جلوگیری کند و فرهنگ عمومی بر پایه‌ی ارزش‌های اسلامی و انقلابی شکل گیرد. ۳. فتنه‌ی بنزین: در آبان‌ماه ۱۳۹۸، زمانی‌که موج ناآرامی‌ها پس از تصمیم دولت درباره‌ی قیمت بنزین سراسر کشور را فرا گرفته بود، تدبیر حکیمانه‌ی رهبری همچون نوری در تاریکی ظاهر شد. ایشان با درک دقیق از دو لایه‌ی متفاوت ماجرا (اعتراضات مردمی به مسائل معیشتی از یک‌سو و توطئه‌ی سازمان‌یافته‌ی دشمنان برای تبدیل این اعتراضات به ناامنی از سوی دیگر) رویکردی هوشمندانه در پیش گرفتند. در همان ساعات اولیه، با دستور تشکیل ستادهای ویژه در استان‌ها و نظارت مستقیم بر روند پرداخت یارانه‌ها، نشان دادند که دل‌نگران معیشت مردم هستند؛ اما در عین حال با برخورد قاطع با عناصر مسلح و آشوبگر، خط قرمز نظام در حفظ امنیت را به‌روشنی ترسیم کردند. این موضع‌گیری حساب‌شده که همدردی با مردم و قاطعیت در برابر اغتشاش را هم‌زمان در خود داشت، موجب شد فتنه پیش از آن‌که به بحرانی جدی تبدیل شود، مهار گردد.

۴. شب عاشورای ۱۴۴۷ هجری قمری: پس از دوازده روز نبرد میان ایران و رژیم صهیونیستی، بسیاری در داخل و خارج از کشور به‌دنبال نشانه‌ای از سلامت، اراده و انسجام رهبری جمهوری اسلامی بودند. در چنین شرایطی، حضور ناگهانی آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم شب عاشورا در حسینیه‌ی امام خمینی، آن‌هم به‌صورت زنده و در برابر یاهو‌گویی رسانه‌های معاند، به‌مثابه‌ی پیامی روشن و قاطع سیاسی و روانی بود. این تدبیر با انتخاب شب عاشورا، شب اوج حماسه و شهادت در فرهنگ شیعی، هم‌زمان شد و باعث گردید پیام ایشان از «حضور قدرتمند» به «پایداری تا پای جان» ارتقا یابد؛ زیرا عاشورا برای شیعه نماد ایستادگی در برابر ظلم است. حضور رهبر انقلاب در مراسم عزاداری به‌عنوان نماد ثبات در برابر فشارها، نه‌تنها به نیروهای داخلی (مردم و مسئولان) روحیه‌ای مضاعف بخشید بلکه به طرف مقابل، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و متحدان غربی‌اش، این پیام را رساند که تحولات اخیر موجب ضعف یا عقب‌نشینی رهبر جمهوری اسلامی نشده است. مدح نوای ای میهن خدایی تیر خلاصی بر پیکر دشمنان بود. همچنین، حماسه‌ی حضار در بدو ورود ایشان به حسینیه، رابطه‌ی قلبی و عاطفی میان ایرانیان و مقام معظم رهبری را بیش از پیش نشان داد. بازتاب گسترده‌ی این خبر، عملیات روانی سنگین و پرهزینه‌ای برای دشمن رقم زد.

این موارد تنها نمونه‌هایی از تدابیر مقام معظم رهبری بوده است.



رهبری راهبردی در بافت فرهنگی-سیاسی خاص ایران ارائه داد. در ادامه به نمونه‌هایی از تدابیر ایشان اشاره می‌شود:

۱. آینده‌نگری موشکی: در دهه‌ی ۷۳۱۰ که بسیاری از تحلیل‌گران نظامی، سرمایه‌گذاری بر توان موشکی را هزینه‌ای غیرضروری می‌دانستند، آیت‌الله خامنه‌ای با چشمانی آینده‌نگر دستور توسعه‌ی برنامه‌های موشکی را صادر کردند. این تصمیم راهبردی که در آن زمان حتی برخی کارشناسان داخلی را به تردید انداخته بود، امروز به ستون اصلی امنیت ملی تبدیل شده است. این نگاه راهبردی مبتنی بر سه اصل کلیدی بود: خودکفایی مطلق در فناوری‌های حساس، تربیت نسل جوان متخصص و ایجاد ساختاری مقاوم در برابر تحریم‌ها که همگی در کنار هم، ایران را به قدرت موشکی بی‌بدیل منطقه تبدیل کرده‌اند. در حالی‌که رویکردهای متعارف نظامی ممکن بود به درگیری‌های پرهزینه بینجامد، این راهبرد هوشمندانه با ایجاد لایه‌های مختلف بازدارندگی، از موشک‌های کوتاه‌برد تا هایپرسونیک، بدون نیاز به جنگ مستقیم، هزینه‌ی هرگونه تجاوز به ایران را برای دشمنان به حدی افزایش داد که عملاً امکان تهدید نظامی از آنان سلب شد.

۲. نقشه‌ی جامع مهندسی فرهنگی کشور: در اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰، آیت‌الله خامنه‌ای با درک عمیق از تأثیرات گسترده‌ی جنگ نرم و حمله‌های فرهنگی بی‌سابقه علیه جامعه‌ی ایران، تصمیم به طراحی برنامه‌ای جامع برای مدیریت و هدایت فرهنگی کشور گرفتند. ایشان با تأکید بر ضرورت ایجاد هماهنگی میان همه‌ی نهادهای فرهنگی، خواستار تدوین نقشه‌ای شدند که بتواند مسیر حرکت فرهنگی کشور را در همه‌ی زمینه‌ها، از رسانه و آموزش تا خانواده و فضای مجازی، تعیین کند. این رویکرد به تدوین «نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور» و در ادامه، تشکیل «ستاد راهبری مهندسی فرهنگی» در شورای عالی انقلاب فرهنگی منجر شد؛ ساختاری که وظیفه‌اش هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی کشور

مشارکت مردمی؛ حلقه‌ی مفقوده‌ی اقتصاد کشور

حمیدرضا محمدی کلاریجانی

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته‌ی مدیریت دولتی دانشگاه آزاد واحد قائم‌شهر

که بر پایه‌ی مشارکت گسترده‌ی کارگران، اتحادیه‌ها و بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت بنگاه‌ها بنا شده است، به بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش بهره‌وری منجر شده و توانسته اقتصاد این کشور را در برابر بحران‌های اقتصادی مقاوم کند. در هند نیز جنبش India Make با حمایت گسترده‌ی مردم از محصولات داخلی توانسته است ضمن افزایش تولید ملی، به کاهش وابستگی به واردات کمک کند و فرصت‌های شغلی فراوانی ایجاد نماید.

نمونه‌های موفق ایرانی

در ایران، شرکت‌های تعاونی کشاورزی و روستایی که با مشارکت مستقیم کشاورزان و روستاییان تشکیل شده‌اند، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری، بهبود شرایط تولید و حفظ منابع طبیعی ایفا کرده‌اند. این مشارکت مردمی باعث توانمندسازی جوامع محلی و کاهش مهاجرت به شهرها شده است. همچنین، کمپین‌ها و پویش‌های حمایت از کالای ایرانی نمونه‌های بارزی از مشارکت مردمی در اقتصاد کشور هستند که به حفظ اشتغال، افزایش تولید داخلی و تقویت اقتصاد ملی کمک کرده‌اند. علاوه بر این، صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ی مردمی و خیریه‌های اقتصادی با جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک از اقشار مختلف جامعه، به تأمین مالی کارآفرینان خرد و متوسط کمک کرده و فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کرده‌اند.

از سوی دیگر، مشارکت مردمی موجب بهبود فضای کسب‌وکار می‌شود. وقتی افراد جامعه به‌عنوان صاحبان کسب‌وکار، سرمایه‌گذار یا مصرف‌کننده‌ی فعال در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند، فشارهای تحمیلی و تصمیمات غیرکارشناسی کاهش یافته و سیاست‌های اقتصادی بهتر و واقع‌بینانه‌تر اجرا می‌شوند. این موضوع به افزایش بهره‌وری، کاهش فساد و شفافیت در مدیریت منابع کمک می‌کند.

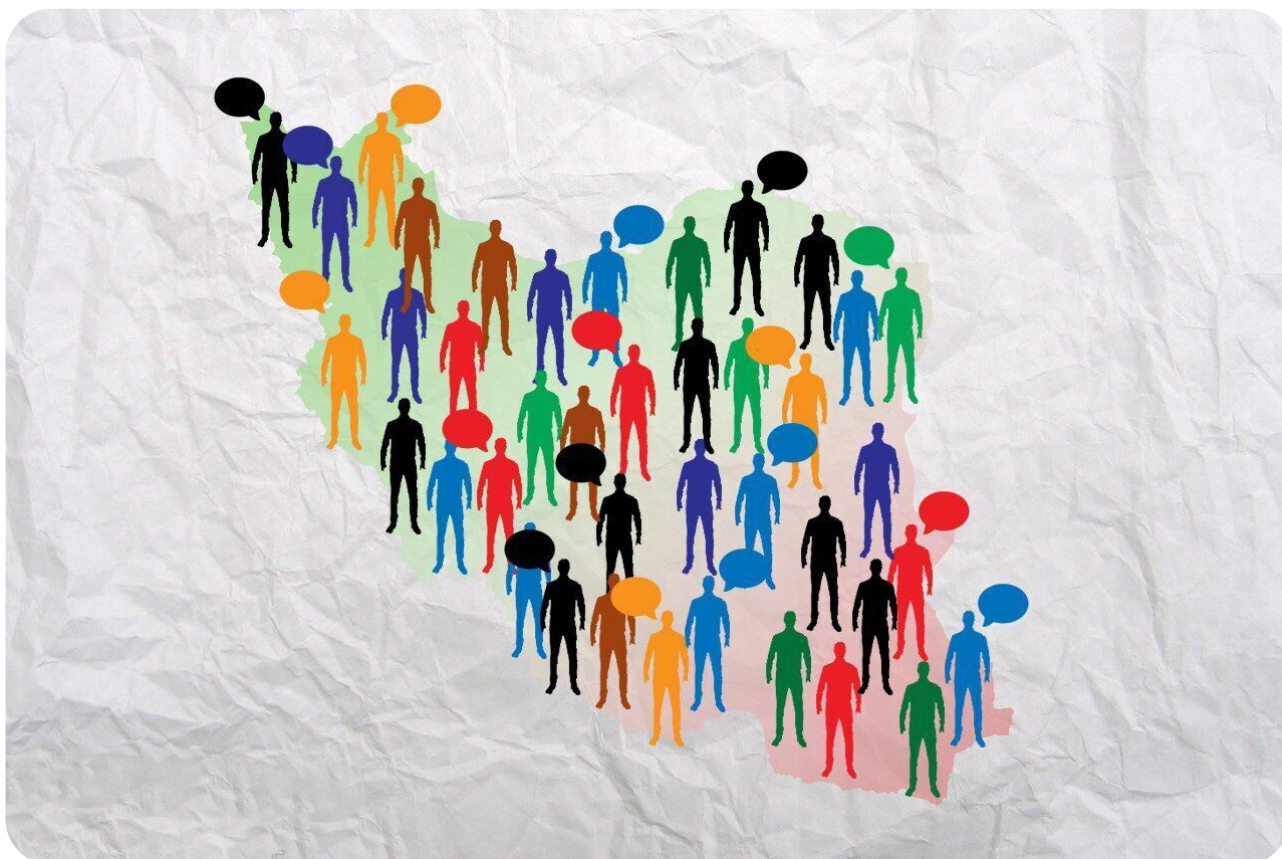
اقتصاد هر کشور از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه و پیشرفت به شمار می‌رود و نقش تعیین‌کننده‌ای در رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم دارد. در دهه‌های اخیر، تجربه‌ی کشورهای موفق نشان داده است که حضور فعال و مؤثر مردم در فعالیت‌های اقتصادی، یکی از عوامل اصلی رشد پایدار و حل مشکلات اقتصادی است. مشارکت مردمی در اقتصاد به‌معنای حضور گسترده و مؤثر آحاد جامعه در فرآیندهای اقتصادی از جمله تولید، سرمایه‌گذاری، مصرف، تصمیم‌گیری و نظارت است که می‌تواند به‌عنوان کلید اصلی رفع مشکلات اقتصادی کشورها مطرح شود.

یکی از مهم‌ترین مزایای مشارکت مردمی در اقتصاد، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی است. هنگامی که مردم با اطمینان و اعتماد به سیستم اقتصادی در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی و تجاری سرمایه‌گذاری می‌کنند، منابع مالی بیشتری به چرخه‌ی اقتصادی وارد شده و زمینه‌ی رشد و توسعه فراهم می‌شود. این موضوع باعث ایجاد اشتغال گسترده‌تر، افزایش درآمد خانوارها و کاهش فقر خواهد شد. به عبارت دیگر، هرچه مشارکت مردم بیشتر باشد، اقتصاد کشور مقاوم‌تر و خوداتکاتر خواهد شد.

پیرو همین موضوع و نقش کلیدی‌ای که مشارکت مردمی در اقتصاد کشورهای جهان داشته است، می‌توان به نمونه‌های موفق خارجی اشاره کرد:

نمونه‌های موفق خارجی

در کشور ژاپن، پس از جنگ جهانی دوم، مشارکت گسترده‌ی مردم در سرمایه‌گذاری و ایجاد شرکت‌های تعاونی نقش بسیار مهمی در بازسازی اقتصاد و رشد صنعتی این کشور داشت. تعاونی‌ها و شرکت‌های کوچک و متوسط با حمایت مالی و مشارکت مردم، زمینه‌ساز اشتغال و نوآوری شدند و اقتصاد ژاپن را به یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل کردند. همچنین، مدل «اقتصاد اجتماعی بازار» در آلمان



فرهنگ مشارکت اقتصادی، آموزش و توانمندسازی مردم، و ایجاد سازوکارهای مناسب برای دخالت فعالانه‌ی آنان در اقتصاد، باید به‌عنوان یکی از اولویتهای اساسی در سیاست‌های کلان اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

مشارکت مردم در اقتصاد علاوه بر جنبه‌ی مالی و اقتصادی، جنبه‌ی اجتماعی نیز دارد. مردم با حضور فعال در امور اقتصادی احساس مسئولیت بیشتری نسبت به شرایط کشور پیدا می‌کنند و از طریق حمایت از تولید ملی، خرید محصولات داخلی و تشویق به نوآوری، به پویایی اقتصاد کمک می‌کنند. این فرهنگ‌سازی اقتصادی به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها نیز منجر می‌شود. در شرایط فعلی که بسیاری از کشورها با چالش‌های بزرگی مانند تورم، بیکاری، کاهش قدرت خرید مردم و کسری بودجه مواجه‌اند، مشارکت مردمی می‌تواند نقش کلیدی در بازسازی و تثبیت اقتصاد ایفا کند. آموزش‌های مالی و اقتصادی، تسهیل دسترسی به منابع مالی برای کارآفرینان خرد و متوسط، و حمایت دولت از نهادهای مردمی فعال در حوزه‌ی اقتصاد، از جمله راهکارهای عملی برای افزایش مشارکت عمومی است.

در نهایت باید گفت تحقق توسعه‌ی پایدار و حل مشکلات اقتصادی بدون همکاری و هم‌فکری مردم امکان‌پذیر نیست. مشارکت مردمی نه‌تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی و سیاسی کشور می‌شود. بنابراین، تقویت

چرا فناوری هسته‌ای ایران تحولی تاریخی است؟ تحلیل جامعه‌شناختی دستاوردها، تأثیرات و اهداف راهبردی

عبدالحمید دهقانی

پژوهشگر و دانشجوی دکتری شیمی آلی دانشگاه کاشان

عوامل اقتصادی گره خورده‌اند. سرمایه‌گذاری در صنعت هسته‌ای نه تنها به صرفه‌جویی در مصرف سوخت‌های فسیلی منجر شده، بلکه سرریز فناوری به صنایع دیگر مانند سلامت، کشاورزی و محیط‌زیست را نیز فراهم کرده است. برای مثال، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کاربردهای فناوری هسته‌ای را در شش حوزه‌ی کلان تقسیم‌بندی کرده که ایران در همه‌ی آن‌ها، از تولید ایزوتوپ‌های پایدار مانند «تلوریم-۱۳۰» برای رادیوداروها تا ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای، پیشرفت کرده است.

در سطح فرهنگی، این فناوری حس خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی را تقویت کرده است؛ همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کنند، علم و معنویت در پیشرفت‌های هسته‌ای درهم‌آمیخته‌اند. نمونه‌های برجسته‌ای مانند شهیدان فخری‌زاده و شهریاری نشان می‌دهد که ایمان و جهاد علمی، موتور محرک این تحول بوده است. این عوامل به‌صورت یک چرخه‌ی بازخوردی عمل می‌کنند: چالش‌های سیاسی به نوآوری اقتصادی منجر می‌شود، نوآوری حس مسئولیت فرهنگی و اجتماعی را افزایش می‌دهد و این چرخه، فناوری هسته‌ای را به یک تحول تاریخی تبدیل می‌کند که ایران را در میان ده کشور برتر جهان در این حوزه قرار داده است.

تأثیرات جامعه‌شناختی و اقتصادی دستاوردهای هسته‌ای

تأثیرات چشمگیر دستاوردهای فناوری هسته‌ای بر زندگی ایرانیان، همانند ریشه‌های آن، به‌صورت شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته، تمام لایه‌های جامعه را دربر می‌گیرد و کیفیت زندگی را ارتقا می‌بخشد. از منظر اقتصادی، خودکفایی در چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، از اکتشاف اورانیوم تا غنی‌سازی و بازفرآوری، ایران را از وابستگی خارجی رها کرده و صرفه‌جویی‌های عظیمی ایجاد کرده است. برای نمونه، نیروگاه بوشهر از سال ۱۳۹۰ تاکنون بیش از ۷۰ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید کرده که معادل صرفه‌جویی در مصرف ۱۰۵ میلیون بشکه نفت خام و جلوگیری از انتشار ۷۵ میلیون تن گازهای آلاینده است.

پدیده‌ی توسعه‌ی فناوری هسته‌ای در ایران، فراتر از یک پیشرفت فنی، نمادی از تحول تاریخی در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. از منظر جامعه‌شناسی، این فناوری نه تنها به‌عنوان یک مؤلفه‌ی قدرت و اعتبار ملی عمل می‌کند، بلکه بازتابی از پویایی‌های عمیق در روابط میان علم، سیاست و جامعه است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیانات خود در دیدار با دانشمندان و مسئولان صنعت هسته‌ای در ۲۱ خرداد ۱۴۰۲، این صنعت را به‌عنوان یکی از عوامل اساسی اعتبار، قوت و توسعه‌ی کشور برشمرد و تأکید کرده‌اند که پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌سازد. ایشان با استناد به حدیث «العلم سلطان» که علم را اقتدار می‌داند، علم را محور قدرت واقعی معرفی کرده‌اند. این دیدگاه، فناوری هسته‌ای را از یک ابزار فنی به یک عنصر هویت‌ساز اجتماعی تبدیل می‌کند؛ جایی که نخبگان علمی به کنشگران کلیدی توسعه تبدیل می‌شوند. این مقاله با رویکردی تحلیلی و سیستمی، به بررسی ریشه‌های تحول‌آفرین این فناوری، تأثیرات چشمگیر آن بر زندگی ایرانیان، خودکفایی در چرخه‌ی سوخت هسته‌ای و اهداف راهبردی صنعت هسته‌ای می‌پردازد. هدف، ارائه‌ی چارچوبی منسجم است که با ایجاد پیوندی سیال میان دستاوردها، تأثیرات و اهداف، نه تنها این پدیده را تبیین کند، بلکه مسیری برای تقویت نقش آن در توسعه‌ی پایدار ترسیم نماید.

ریشه‌های تحول تاریخی فناوری هسته‌ای در ایران

ریشه‌های تحول تاریخی فناوری هسته‌ای در ایران، مانند شبکه‌ای درهم‌تنیده، از عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نشأت می‌گیرد که به‌صورت یکپارچه بر پیشرفت این صنعت اثر گذاشته‌اند. از منظر سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای خارجی، ایران را به‌سوی خودکفایی سوق داده است؛ جایی که رهبر انقلاب در بیانات خود تأکید می‌کنند که پیشرفت علمی در برابر اقتدارطلبی قدرت‌های غربی، کشور را از وابستگی نجات می‌دهد. این فشارها با

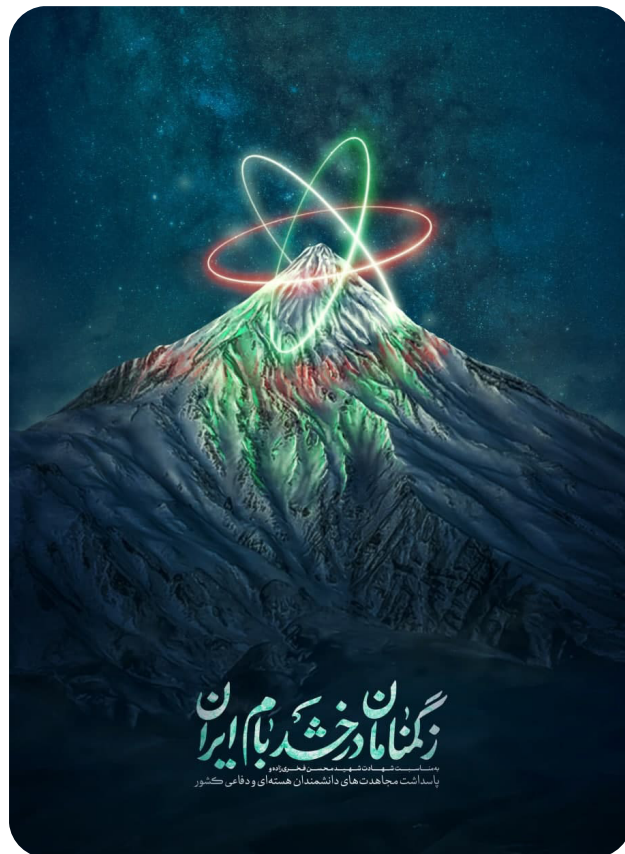
اهداف راهبردی صنعت هسته‌ای ایران

برای تداوم این تحول تاریخی و تبدیل چالش‌ها به فرصت‌های توسعه، اهداف راهبردی صنعت هسته‌ای باید به گونه‌ای طراحی شود که هم‌زمان ریشه‌ها و تأثیرات این پدیده را تقویت کند. در سطح اقتصادی، پیگیری تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای، همان‌گونه که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۸۶ تأکید کردند، با تمرکز بر نیروگاه‌های توان پایین، می‌تواند ناترازی انرژی را برطرف کرده و عدالت منطقه‌ای ایجاد نماید. این هدف با اصلاحات سیاسی و اجتماعی، از جمله ارج نهادن به منابع انسانی و افزایش چندبرابری دانشجویان رشته‌های هسته‌ای به منظور نگهداشت نخبگان و جبران کاستی‌های پیشین، درهم‌تنیده است.

در سطح فرهنگی، بازآفرینی مفهوم «علم و معنویت» از طریق تدوین چشم‌اندازهای ملی و معرفی الگوهای موفق مانند شهید رضایی‌نژاد، می‌تواند حس مسئولیت اجتماعی و هویت علمی را تقویت کند. همچنین، ایجاد شبکه‌های تجاری‌سازی محصولات هسته‌ای، مانند صادرات رادیو داروها و آب سنگین، نه تنها به درآمدزایی و اشتغال کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز همکاری‌های بین‌المللی نیز خواهد شد. این اهداف، با پیوند دادن انگیزه‌های فردی به اهداف جمعی، صنعت هسته‌ای را از یک دستاورد فنی به معمار توسعه تبدیل می‌کنند. در این چارچوب، فناوری هسته‌ای دیگر نه یک چالش، بلکه نقطه‌ی آغازی برای بازسازی رابطه‌ی میان علم و جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

فناوری هسته‌ای ایران، پدیده‌ای است که ریشه در فشارهای خارجی و پیامدهایی گسترده در تمام ابعاد زندگی دارد. با این حال، از منظر جامعه‌شناختی، این پدیده می‌تواند به فرصتی برای بازاندیشی در سیاست‌ها و بازسازی انسجام اجتماعی تبدیل شود. حفظ این تحول نیازمند بازسازی اعتماد عمومی، تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد چشم‌اندازی مشترک برای آینده است. با اجرای اهداف راهبردی و برنامه‌ریزی منسجم، ایران می‌تواند نه تنها خودکفایی را حفظ کند، بلکه با تبدیل دستاوردها به کنش‌های توسعه‌محور، مسیری روشن به سوی پیشرفت پایدار هموار سازد. این تحول، نیازمند اراده‌ای جمعی برای بازتعریف رابطه‌ی علم و جامعه است تا ظرفیت‌های بی‌نظیر ایران در مسیر آینده‌ای درخشان به کار گرفته شود.



این تأثیر اقتصادی با حوزه‌ی سلامت گره می‌خورد؛ جایی که تولید بیش از ۶۰ نوع رادیودارو، سالانه نیاز بیش از یک میلیون بیمار سرطانی را تأمین می‌کند. دستاوردهایی مانند رادیوداروی «گالیوم-۶۸» برای تشخیص تومورها، ایران را به چهارمین کشور جهان در این زمینه تبدیل کرده است. در سطح اجتماعی، کاربردهای هسته‌ای در کشاورزی - مانند پرتودهی برای آفت‌زدایی و افزایش ماندگاری محصولات - ضایعات ۴۰ میلیون تنی سالانه را کاهش می‌دهد. در حوزه‌ی محیط‌زیست نیز، فناوری پلاسما برای تصفیه‌ی پساب‌ها و سولفورزدایی مازوت، نقش مهمی در مهار آلودگی ایفا می‌کند. از منظر فرهنگی، این دستاوردها حس غرور ملی را تقویت کرده‌اند؛ همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید دارند، صنعت هسته‌ای دشمن را در ناامید کردن مردم مغلوب کرده و خودباوری را در جامعه نهادینه ساخته است. در حقیقت، این تأثیرات فراتر از جنبه‌های فنی، همچون فرسایش تدریجی وابستگی‌های خارجی عمل کرده و چرخه‌ای از پیشرفت، رفاه و استقلال را تقویت می‌کند که ریشه‌های تحول را عمیق‌تر ساخته و پدیده‌ای خودتقویت‌شونده پدید آورده است؛ پدیده‌ای که توسعه‌ی پایدار را تضمین می‌کند.

دستاوردهای سیاسی و دفاعی (استقلال ملی و اقتدار نظامی) جمهوری اسلامی ایران

هیئت تحریریه ماهنامه بصیرت

و کنترل فساد هنوز چالش‌هایی وجود دارد، اما روند کلی چهار دهه حاکی از تثبیت نهادهای مردمی و قانون‌مداری در ساختار سیاسی ایران است. به گواهی آمار بین‌المللی، ایران در شاخص «مردم‌سالاری» نسبت به دوران پهلوی ارتقای قابل توجهی داشته است. به عنوان نمونه، مجمع جهانی اقتصاد ایران پس از انقلاب را از نظر مشارکت سیاسی زنان در رتبه‌ای بسیار بالاتر از گذشته قرار داده است که نتیجه حضور زنان در مجلس، دولت و شوراهای محلی طی دهه‌های اخیر می‌باشد.

در زمینه اقتدار نظامی و امنیتی، جمهوری اسلامی ایران طی چهار سال گذشته به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. پس از انقلاب، جنگ تحمیلی ۸ ساله آزمونی دشوار برای توان دفاعی ایران بود که با اتکا به نیروهای مردمی (بسیج و سپاه) و ارتش دگرگون‌شده، اجازه نداد حتی یک وجب از خاک کشور در اشغال دشمن باقی بماند. تجربه جنگ، صنایع دفاعی ایران را متحول کرد و سیاست خودکفایی نظامی در دستور کار قرار گرفت. نتیجه آن که امروز ایران به گزارش منابع مستقل، بیش از ۹۰ درصد تجهیزات دفاعی مورد نیاز خود را در داخل تولید می‌کند. بنا بر اظهارات مقامات ارشد نظامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران اکنون در ساخت انواع جنگ‌افزارها، از سلاح‌های سبک تا موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین، به خودکفایی کامل رسیده است. این دستاورد قابل ملاحظه زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم در رژیم گذشته حتی سیم‌خاردار نیز وارداتی بود و کوچک‌ترین نیاز نظامی باید از خارج تأمین می‌شد. به علاوه، ایران پس از انقلاب موفق به ایجاد بازدارندگی دفاعی مؤثر در منطقه شده است؛ به‌طوری‌که گزارش‌های بین‌المللی، قدرت موشکی ایران را از لحاظ حجم و برد، رتبه اول در منطقه غرب آسیا ارزیابی می‌کنند. همچنین ایران تنها کشور منطقه است که بدون اتکا به قدرت‌های جهانی، امنیت ملی و مرزی پایدار خود را حفظ کرده و در برابر تهدیدات گسترده تروریسم و بی‌ثباتی

یکی از مهم‌ترین شعارها و اهداف انقلاب اسلامی، کسب استقلال سیاسی و رهایی از سلطه بیگانگان بود. رژیم پهلوی علی‌رغم ظاهر آراسته، در واقع حکومتی وابسته به قدرت‌های خارجی به‌شمار می‌رفت و بخش عمده‌ای از سیاست‌ها و حضور نظامی خود را در خدمت منافع آنان قرار داده بود. برای نمونه، پیش از انقلاب ده‌ها هزار مستشار نظامی خارجی در ارتش ایران حضور داشتند و حتی تصمیمات کلان کشور تحت تأثیر بیگانگان بود. در نقطه مقابل، با پیروزی انقلاب اسلامی، اصل «نه شرقی، نه غربی» حاکم شد و ایران جدید از هرگونه پایگاه نظامی خارجی پاکسازی گردید. امروز حضور نیروهای نظامی بیگانه در خاک ایران صفر است و این در حالی است که بسیاری از کشورهای منطقه میزبان پایگاه‌ها و نیروهای خارجی هستند. به عنوان مثال، کشورهایی چون ژاپن و آلمان با وجود استقلال ظاهری، همچنان میزبان ده‌ها هزار نظامی آمریکایی هستند و حتی هزینه آنها را پرداخت می‌کنند؛ در حالی که ایران با خروج مستشاران و قطع نفوذ بیگانگان، استقلال ملی خود را به‌طور کامل محقق ساخته است.

از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب، برقراری مردم‌سالاری دینی و مشارکت گسترده مردم در تعیین سرنوشت سیاسی کشور است. در ۴۴ سال گذشته، بیش از ۳۰ انتخابات سراسری در ایران برگزار شده و مردم مستقیماً رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای شهر و روستا و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری را انتخاب کرده‌اند. میزان مشارکت مردمی نیز غالباً بالا بوده است (به‌طور متوسط حدود ۶۰ درصد واجدین شرایط) که نشانه اعتماد مردم به فرایند مردم‌سالاری دینی است. این در حالی است که در رژیم گذشته، اساساً انتخاباتی آزاد و فراگیر وجود نداشت و شاه همه ارکان قدرت را انتصابی و موروثی در دست داشت. آزادی بیان و پس از بیان نیز به مراتب گسترش یافته و مطبوعات، احزاب و تشکلهای فراوانی پس از انقلاب تأسیس شده‌اند. البته در شاخص‌های حکمرانی نظیر شفافیت



نظر گرفتن نقش ایران، حل و فصل هیچ بحران منطقه‌ای ممکن نیست. این نفوذ سیاسی و معنوی البته هزینه‌هایی نظیر تحریم‌ها را نیز در پی داشته، اما در مجموع جایگاه ژئوپلیتیک ایران ارتقا یافته است. به اذعان نهادهای بین‌المللی، شاخص نفوذ منطقه‌ای ایران طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ همواره رو به افزایش بوده و ایران در سال‌های اخیر جزو موثرترین قدرت‌های منطقه‌ای رده‌بندی شده است. در بعد روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی موفق شده است روابط دیپلماتیک خود را از چند کشور محدود به ده‌ها کشور گسترش دهد و عضویت فعال در سازمان‌هایی چون سازمان همکاری اسلامی، جنبش عدم تعهد، اکو، شانگهای و ... داشته باشد. البته چالش اصلی سیاست خارجی ایران یعنی تقابل با آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنان پابرجاست، اما تداوم ۴۴ سال استقلال و پیشرفت علیرغم فشارهای بین‌المللی خود بزرگ‌ترین دستاورد سیاسی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود.

منطقه‌ای ایستادگی نموده است. بر اساس داده‌های پایگاه جهانی تروریسم، تعداد عملیات‌های تروریستی در ایران در مقایسه با کشورهای همسایه بسیار ناچیز بوده است. برای نمونه، در سال‌های اوج بحران داعش، شمار حملات تروریستی در کشورهایی همچون عراق و افغانستان صدها مورد بود، در حالی که در ایران تقریباً هیچ حمله موفق عمده‌ای رخ نداد. این امر نشان‌دهنده اقتدار امنیتی و اشراف اطلاعاتی ایران در چهار دهه گذشته است. افزون بر این، توان نظامی ایران در عرصه صنایع نوین نیز گسترش یافته است. ایران هم‌اکنون تنها کشور مسلمان است که توانسته ماهواره علمی به فضا پرتاب کند و در فناوری‌های نوپدید نظامی مانند پدافند هوایی برد بلند، پهپادهای رزمی و جنگ الکترونیک به پیشرفت‌های مهمی نائل شود. مقامات دفاعی جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند که ایران از نظر توان پهپادی جزو ۵ کشور برتر جهان است و صادرات پهپاد ایرانی به برخی کشورهای متقاضی آغاز شده است. مجموع این موارد باعث شده که ایران پس از انقلاب، از یک کشور وابسته نظامی در دهه ۵۰ شمسی به قدرت برتر منطقه غرب آسیا در دهه ۱۴۰۰ تبدیل شود.

در عرصه سیاست خارجی و اقتدار منطقه‌ای نیز انقلاب اسلامی دستاوردهای قابل توجهی داشته است. سیاست مستقل نه شرقی نه غربی، موجب شده ایران تبدیل به صدای مستقل ملت‌ها در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌ها گردد. حمایت مستمر ایران از آرمان فلسطین و ملت‌های مظلوم منطقه، افزایش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در جهان اسلام را در پی داشته است. ایران در چهار دهه اخیر با تشکیل محور مقاومت در منطقه، به بازیگری تأثیرگذار در معادلات خاورمیانه بدل شده است؛ به گونه‌ای که بدون در

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی (۱۴۰۳/۰۷/۱۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله فى الارضين.

مسائل گوناگون — همین مسائلی که دوستان گفتند — کم نداریم؛ آنچه کم داریم، «پیگیری» است؛ آنچه کم داریم، دنبال کردن است. رئیس تصمیم میگیرد، به معاون دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ معاون به مدیرکل دستور میدهد، او هم میگوید، چشم؛ بعد از یک سال، نه رئیس از معاون میپرسد چه شد، نه معاون از مدیر میپرسد چه شد؛ لذا کار زمین میماند. این مطالبی که گفتید بسیار خوب بود، من صد درصد می‌پسندم و خرسند میشوم از شنیدنش اما دنبال کنید؛ این‌ها دنبال کردن می‌خواهد. ببینید چه جوری می‌شود این‌ها را عملی کرد، تحقق بخشید. این یک مطلب. مطلب دوم راجع به اظهارات این عزیزان جوانی است که آمدند اینجا صحبت کردند. خوب، هفت نخبه‌ی این کشور اینجا آمدند، راجع به موضوعات مختلف حرف زدند؛ این چیز کمی نیست. درباره‌ی مسائل گوناگون، از صنعت و اقتصاد و علوم انسانی و غیره و غیره، اینجا صحبت شد. این‌ها را چه کار کنیم؟ با حرف‌های این حضرات چه جوری باید رفتار کرد، چه جوری برخورد کرد؟ من عرضم این است: من می‌گویم

خیلی خوش آمدید و از دیدار این مجموعه‌ی ارزشمند عزیز، بنده خیلی خوشوقت و خوشحالم. قبل از اینکه عرایض خودم را شروع کنم، یک جمله در مورد این برنامه‌ی دوستان عرض بکنم. خوب مطالب خیلی خوبی گفته شد، هم آنچه اول، آقای دکتر افشین به عنوان کارهایی که می‌خواهند انجام بدهند و برنامه‌های آینده‌ی خودشان ذکر کردند، انسان را خوشحال و امیدوار می‌کند، هم دقت‌نظرها و حرف‌ها و تحقیق‌ها و پیشنهادهایی که این چند نفر برادران و خواهران عزیز اینجا گفتند، درخور تأمل و توجه و پیگیری است. خوب حالا این حرف‌ها گفته شد. من دو مطلب اینجا می‌خواهم عرض بکنم. در مورد حرف‌های معاون محترم رئیس‌جمهور، خوب شما الحمدلله از نعمت جوانی برخوردارید دیگر و یکی از خصوصیات جوانی همین است که ذهن فعال می‌شود، کار می‌کند، هدفهای بزرگی را در فضا و در هوا و در آسمان اول و دوم و سوم در نظر می‌گیرد که خوب است؛ من یک ذره تردید در حسن این کار ندارم، منتها یک نقصی در کار ما وجود دارد که ما طرح و برنامه و سیاست و پیشنهاد در



سال پیش و نود سال پیش، لیاقت و توانایی ایرانی را انکار میکنند؛ یا غفلت میکنند یا حتی انکار میکنند. هنوز کسانی در کشور ما هستند که حاضر نیستند بپذیرند که در این فضا، در این زیست‌بوم کنونی کشور ما اتفاقات بسیار بزرگی ممکن است رخ بدهد که برای دنیا هم تازه باشد و جدید باشد؛ هنوز بعضی هستند که این را باور نمیکنند. من می‌خواهم چند کلمه‌ای درباره‌ی این صحبت کنم.

نکته‌ی دوم، راه حفظ و تکثیر و اثربخشی نخبگان است؛ چه کار کنیم که وجود نخبه، اثربخش بشود و تکثیر بشود، نخبه‌ها زیاد بشوند و نخبه‌ی ما، نخبه بماند و حفظ بشود؛ خودش و نخبگی‌اش. چند جمله‌ی کوتاهی در این زمینه من یادداشت کرده‌ام که عرض می‌کنم. مطلب سوم، وظیفه‌ی نخبگان است؛ بالاخره شماها نخبه‌اید، وظایفی دارید؛ آن وظایف هم باید گفته بشود، اگرچه نخبه قاعداً وظیفه‌ی خودش را می‌داند.

در باب واقعیت نخبگی، حرف من این است که ما باید قدر کشورمان را و توانایی‌های ذهنی و فکری و هوشی کشورمان را که منجر به نخبگی می‌شود، بدانیم، بشناسیم و این داشته را شناسایی کنیم. یکی از بدترین آفتها برای یک انسان، یک فرد و یک جمع و یک کشور این است که داشته‌های خودش را نشناسد. از سوی بدخواهان ما، بدخواهان این کشور سعی می‌شود که داشته‌های ما را پنهان کنند یا انکار کنند؛ ما نباید این سعی آنها را بپذیریم، نباید تحمل کنیم؛ باید سعی کنیم بعکس، داشته‌های کشور را بشناسیم. یکی از مهم‌ترین داشته‌ها، نخبه و زمینه‌های نخبه‌سازی است که زمینه‌ی نخبه‌سازی عمده‌اً زمینه‌های طبیعی است و بعد هم زمینه‌های اجتماعی و قراردادی و سازمانی و مانند این‌ها است. به نظر من، مهم‌ترین زمینه‌ی نخبگی، «بهره‌ی هوشی» است؛ در این زمینه، کشور ما جزو کشورهای پیشرو دنیا است؛ ایران جزو کشورهای پیشرو دنیا است. یک گزارشی به دست من رسید که شماها هم قاعداً دیده‌اید؛ یک گزارشی است از سوی یک مرکز بین‌المللی مخصوص تست بهره‌وری هوشی ملت‌ها که مرتباً متوسط بهره‌ی هوشی ملت‌های مختلف جهان را به تفکیک تعیین می‌کند. این گزارش، گزارش پژوهش‌دهی سال ۲۰۲۴ است، آن‌طور که در این نوشته‌ای که به من داده شد وجود دارد. رتبه‌ی ایران در بین آن ۲۳ کشوری که من در این فهرست دیدم — ممکن است همه‌ی کشورهای دنیا را، دویست و خورده‌ای کشور را محاسبه کرده باشند؛ در این گزارش من، ۲۳ کشور اول دنیا بود — در [این] ۲۳ کشور، ایران کشور سوم است. بعد از ایران ژاپن است، بعد سنگاپور است، بعد در ردیفهای بعدی کشورهای دیگر؛ مثلاً کانادا است، آلمان است، ایتالیا است،

شما این حرف‌ها را بگیرید — ممکن است بعضی از پیشنهادها غیر عملی باشد که همین‌جور هم هست، بعضی از نظرات و پیشنهادها غیر عملی است اما خیلی‌هایش عملی است — ببینید این پیشنهاد مربوط به کدام مجموعه‌ی دولتی یا غیر دولتی است؛ به عنوان معاون رئیس‌جمهور — معاونت رئیس‌جمهور جایگاه بالایی است — از خود رئیس‌جمهور هم کمک بگیرید، این را از آن دستگاه بخواهید. حالا مثلاً مسئله‌ی مکران مطرح شد، یک پیشنهادی هم وجود دارد؛ خیلی خوب، این پیشنهاد را چه کسی باید تحقق [ببخشد]، با کدام دستگاه مرتبط است؛ آن را پیدا کنید؛ با خود پیشنهاددهنده هم در این زمینه مشورت کنید، بعد دنبال کنید تا تحقق پیدا کند؛ و آلا اینکه ما حرف‌های خوب بزنیم و حرف‌های خوب بشنویم، کار را به پایان نبرساند. این عرایض ما.

از دوستانی که سخنان سنجیده و خوبی را اینجا بیان کردند، من از ته دل تشکر می‌کنم. ما در این روزها عزاداریم؛ بخصوص بنده، بجد عزادار هستم. حادثه‌ای که اتفاق افتاد حادثه‌ی کوچکی نیست؛ فقدان آقای سیدحسن نصرالله حادثه‌ی کمی نیست و جدّاً ما را عزادار کرده. من با اینکه این فضا، فضای عزای عمومی در کشور است و به معنای واقعی کلمه عزا است، این دیدار را به بعد موکول نکردم. این دیدار از قبل برنامه‌ریزی شده بود، میشد بگوییم مثلاً هفته‌ی بعد انجام بگیرد؛ این کار را من نکردم؛ فکر کردم که این موضوع نباید عقب بیفتد؛ این جهت‌گیری، جهت‌گیری گرایش به نخبگی و نخبگانی، نباید عقب بیفتد؛ [لذا] جلسه را تشکیل دادیم. این تشکیل جلسه یک پیامی برای ما دارد؛ پیامش این است که ما گرچه در عزا هستیم، اما عزای ما به معنی ماتم گرفتن و افسرده شدن و یک گوشه نشستن نیست؛ جنس عزای ما از جنس عزای سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ زنده و زنده‌کننده است. عزاداریم اما این عزا ما را به حرکت و پیشرفت و شوق بیشتر به کار وادار می‌کند. من می‌خواهم این پیام را در دل و جان خودمان، به معنای واقعی کلمه نفوذ بدهیم، احساس کنیم عزاداری ما هم باید ما را به پیش ببرد. من البته در زمینه‌ی مسائل لبنان و آنچه مربوط به این شهید بزرگ و عزیز است، عرایضی دارم که در آینده‌ی نزدیکی ان‌شاءالله آنها را خواهم گفت.

در مورد بحث نخبگان، سه نکته را من در نظر گرفته‌ام که درباره‌ی هر کدام، به اختصار چند جمله‌ای را عرض می‌کنم. یک نکته عبارت است از توجه به واقعیت نخبگی در کشور؛ کشور ما از لحاظ وجود نخبگان و وضعیت نخبگانی چه حالی دارد، چه وضعی دارد؟ آیا آنچه می‌گوییم و بعضی می‌گویند، مبالغه‌آمیز است یا نه؟ این یک نکته. علت اینکه من این بحث را مطرح می‌کنم این است که بعضی‌ها همچنان، مثل صد

فرانسه است. فرانسه رتبه‌ی نوزدهم است، انگلیس رتبه‌ی بیست و یکم است، هند رتبه‌ی بیست و سوم است؛ ما در این فهرست رتبه‌ی سومیم؛ این پدیده‌ی بسیار مهم و قابل توجهی است؛ این متوسط بهره‌ی هوشی ملت ایران است. عرض کردم که مهم‌ترین زمینه و ظرفیت برای نخبه‌سازی، بهره‌ی هوشی انسان است. البته بهره‌ی هوشی را باید فعال کرد، باید به عمل آورد، زمینه‌ها را باید فراهم کرد، آنها هم در کنارش موجود است. خب این یک ثروت عظیمی است؛ اینکه در کشور ما متوسط بهره‌ی هوشی این قدر بالا است، چیز کمی نیست؛ این ثروت خیلی عظیمی است، ثروت انسانی فوق‌العاده‌ای است؛ این از همه‌ی آنچه در کشور از معدن و منبع و موقعیت جغرافیایی و غیره داریم، بالاتر است؛ نیروی انسانی.

البته قبل از انقلاب به این مسئله‌ی نخبگی و نخبه‌پروری اصلاً توجه نمی‌شد؛ آنجا به چیزهای دیگری توجه می‌شد. به بحث نخبه، نخبه‌ی فکری و ذهنی توجه نمی‌شد. بعد از انقلاب خب این کار شروع شد. در همان سال‌های اول انقلاب که جوانها میدان پیدا کردند وارد عرصه‌های گوناگون بشوند، من رفته بودم جنوب؛ فکر می‌کنم شاید سال ۸۵، ۹۵ بود. آنجا جوانهای جهاد سازندگی، که تازه تشکیل شده بود، یک سیلو ساخته بودند؛ البته یک سیلوی کوچکی بود. سیلو ظاهراً یک فتاوری پیچیده‌ای دارد. به من گفتند که ما میتوانیم برای ظرفیت گندم کشور سیلو بسازیم؛ یعنی جوان، با این جرئت این ادعا را می‌کرد. جوانها وارد میدان شدند، بهشان میدان هم داده شد و به جایی رسیدند که حالا سیلو که هیچ، کارهای خیلی مهم‌تری را هم این جوانها، چه در جهاد، چه در غیر جهاد، انجام داده‌اند. بعد از انقلاب به توانایی‌های نخبگان جوان در کشور توجه شد؛ منتها این به قدر کافی، به قدری که شایسته است، در کشور مشاهده نمی‌شود؛ بیش از این بایستی در این زمینه کار بشود. ما در خیلی از جاها احتیاج داریم به همین مسائلی که شماها اینجا بیان کردید. شما مسئله‌ی آب را گفتید. ما در مسئله‌ی نفت، در زمینه‌ی مسئله‌ی گاز، در مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، در مسئله‌ی نانو، در مسائل گوناگون، در دانشهای جدید مثل هوش مصنوعی و دیگر دانشها، احتیاج داریم به همین روحیه، به همین اقدام، به همین فکر، به همین توانایی و دانایی و پیگیری. باید نخبگان را وارد میدان کنیم؛ این یکی از کارهای مهم است. به نظر من این جزو کارهایی است که معاونت علمی رئیس‌جمهور می‌تواند انجام بدهد و اساساً ایجاد بنیاد نخبگان — که سال‌ها پیش پیشنهاد شد، خوشبختانه مسئولین پذیرفتند و این بنیاد را تشکیل دادند — برای همین بود که نخبگان شناسایی بشوند و به کارهای مهم وادار بشوند. این مسئله‌ی اول که

مسئله‌ی واقعیت نخبگانی در کشور بود.

در باب حفظ و تکثیر نخبگان، من عرض می‌کنم برای اینکه ما نخبه را اولاً نخبه نگه داریم، ثانیاً کشور از او استفاده کند، بعد به امیدهای واهی به فکر فرار کردن از کشور و خروج از کشور نباشد، کارهایی باید انجام بگیرد؛ مهم‌ترین کار این است که نخبه احساس کند وجودش در کشور اثرگذار است؛ نخبه دنبال این است دیگر. فرد نخبه، جوان نخبه مایل است که کشور از آن محصول ذهنی خودش و محصول علمی خودش استفاده کند. وقتی نخبه می‌آید داخل دانشگاه و با در بسته روبه‌رو می‌شود، میرود در فلان پژوهشگاه همین‌جور، در فلان دستگاه دولتی همین‌جور، این نخبه اگر هم در کشور بماند، دیگر نخبه نخواهد بود، میرود دنبال یک کار دیگری؛ نخبه‌ای که برای امرار معاشش سراغ تاکسی‌رانی هم برود، احتمالاً ممکن است وجود داشته باشد! ما نباید بگذاریم نخبه احساس کند که وجودش بی‌اثر است؛ باید اثرگذاری خودش را احساس کند. فرض کنید حالا امروز مثلاً یک نخبه‌ی فیزیک یا یک نخبه‌ی ریاضی، به کجا باید مراجعه کند؟ میخواهد وجودش مؤثر باشد دیگر؛ تحصیلات کرده و به رتبه‌ی نخبگی رسیده؛ الان در کشور ما یک نخبه‌ی ریاضی به چه کسی باید مراجعه کند تا کشور از وجود او، از دانش او، از نخبگی او، از ذهن او استفاده کند؟ البته اعتقاد خود من این است که اینجا هم معاونت علمی می‌تواند حلقه‌ی وصل باشد که خوب است به این کار توجه بشود و دنبال بشود. پس این مطلب اول: کل دستگاه — دستگاه دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی — بایستی سعی کنند از نخبه استفاده کنند تا نخبه احساس کند وجودش مورد استفاده است. دوم: نخبه باید احساس کند که می‌تواند رشد کند. خیلی از جوانهای ما به نقاط خوب و مراتب خوب علمی دست یافته‌اند، اما قانع نیستند، مایلند تحقیق کنند، مایلند رشد کنند، مایلند دانش بیشتری پیدا کنند. تعداد زیادی از نخبه‌هایی که از کشور خارج می‌شوند دنبال این مقصودند. این را نباید حمل کرد بر اینکه با کشور قهر کرده‌اند؛ نه، چون فرضشان این است که در فلان کشور دیگر — حالا این فرض واقعیت دارد یا ندارد نمیدانم — بیشتر می‌توانند تحقیق کنند، بیشتر می‌توانند علم‌آموزی کنند. ما [باید] وسایل تحقیق را اینجا برایش فراهم کنیم و [برای این کار] آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌های بزرگ، ارتباط با صنعت، ارتباط با کشاورزی، ارتباط با معدن لازم است. من باب مثال، این دانشجویی که مثلاً در رشته‌ی کشاورزی کار کرده، خب ممکن است در زمینه‌ی بهره‌وری از آب، بهره‌وری از بذر و امثال این‌ها پیشنهادهایی داشته باشد؛ او باید بداند که می‌تواند این‌ها را [اینجا] به کار بگیرد و این با ارتباط با دانشگاه، با صنعت و مانند این‌ها



الهی بیشتر بهره‌مند شده؛ شما هر مقداری که از تفضلات الهی بیشتر بهره‌مند میشوید، به همان اندازه مسئولیتان بیشتر می‌شود؛ [چون] قدرت پیدا می‌کنید، آبرو پیدا می‌کنید، علم پیدا می‌کنید، ثروت پیدا می‌کنید که این‌ها همه تفضلات الهی است. ما بِکَمِّ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْ اللَّهِ؛ (۳) این‌ها همه از خدا است؛ پس مسئولیت را افزایش میدهد. بنابراین اولین سخن، مسئله‌ی مسئول بودن نخبگان است. مطلب دوم؛ یک وظیفه‌ی مهمی امروز در کشور وجود دارد و آن، «خیزش جدید علمی» است. ما چند سال قبل دیدیم که مسئله‌ی علم و پیگیری علم و عبور از مرزهای دانش و مانند این‌ها مطرح شد، استقبال شد، دستگاه‌ها دنبال کردند، دانشگاه‌ها دنبال کردند، دانشمندان دنبال کردند و اثر کرد. گفتند سرعت رشد علمی کشور مثلاً حدود سیزده برابر بیشتر از متوسط دنیا است؛ [این] خیلی مهم است. سرعت پیشرفت این‌قدر زیاد است. البته بنده همان وقت گفتم ما به این آمار مغرور نشویم؛ (۴) چون خیلی عقیبیم. سرعتمان را باید به همین کیفیت حفظ کنیم؛ خب یک کمی افت کرد، به این شکل حفظ نشد. تحولات علم در دنیا خیلی سریع است. شما خودتان همه اهل علمید، می‌بینید دیگر که تحولات علمی دنیا چقدر سریع است. ما یک خیزش جدید نیاز داریم، یک حرکت جدید نیاز داریم، یک نهضت جدید علمی نیاز داریم؛ این کار را چه کسی باید بکند؟ شما نخبگان. البته دانشگاه‌ها مسئولند، مراکز علمی گوناگون، پژوهشکده‌ها و امثال این‌ها همه مسئولند

فراهم می‌شود؛ طرحهای مهمی را ممکن است ارائه بدهد. این هم یک مسئله است: راههای فراهم کردن امکانات تحقیق و افزایش علم. یک عرصه‌ی مهم دیگر برای نقش‌آفرینی نخبگان، تشکیل اندیشکده‌ها است که البته جز با کمک دولت و پشتیبانی دولت، فعلاً در کشور ما امکان‌پذیر نیست؛ حالا ممکن است در آینده جور دیگری بشود، اما در حال حاضر اگر ما بخواهیم اندیشکده‌های فعال داشته باشیم، حتماً باید دولت کمک کند. این اندیشکده‌ها مجمع نخبگان هر رشته‌ای خواهد شد؛ این، آنها را دلگرم می‌کند، آنها را وادار به کار می‌کند. البته باز به نظر من حلقه‌ی وصل این اندیشکده‌ها با دستگاه‌های ذی‌ربط هم معاونت علمی رئیس‌جمهور است. البته باید دیوان‌سالاری‌ها حذف بشود. ما در زمینه‌های گوناگون، کاغذبازی و دیوان‌سالاری زیاد داریم؛ یک جاهایی مضر است اما مهلک نیست؛ در رابطه‌ی با مزاج ظریف نخبگان، این کاغذبازی‌ها مهلک است و پشت در نگه داشتن‌ها و منتظر نگه داشتن‌ها واقعاً بکلی [آنها را] از پا می‌اندازد. این هم این [مطلب]. به نظر من معاونت محترم علمی از انبوه سرمایه‌های انسانی و زبده باید حداکثر استفاده را بکند. موضوع سوم در باب وظیفه‌ی نخبگان. اولین سخن اینکه نخبه «مسئول» است. نخبه مثل همه‌ی آحاد جامعه است: کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ شما هر جا هستید مسئولید. حالا یکی از عناصر مسئول در جامعه فرد نخبه است. فرد نخبه مسئولیتش از آحاد متوسط مردم بیشتر است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه از تفضلات



واقعی کلمه دانش‌بنیان باشد و سخت‌گیری‌های لازم در ارزیابی‌ها انجام بگیرد، اما تعداد باید زیاد بشود؛ این کار نخبگانی است. عرایض من تمام شد. به مسائل غزه و لبنان، همان‌طور که عرض کردم، ان‌شاءالله خواهیم پرداخت اگر عمری باقی باشد. فقط یک کلمه من عرض بکنم و آن، این است که در این منطقه‌ی ما، اساس مشکل — که این درگیری‌ها و جنگ‌ها و نگرانی‌ها و دشمنی‌ها و مانند این‌ها را به وجود می‌آورد — ناشی از حضور همان کسانی است که دم از صلح و آرامش منطقه می‌زنند؛ یعنی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی. این‌ها اگر شرشان را از این منطقه کم نکنند، بدون شک، این درگیری‌ها، این جنگ‌ها، این برخوردها بکلی از بین خواهد رفت و کشورهای منطقه می‌توانند خودشان را اداره کنند، منطقه‌شان را اداره کنند، با هم با صلح و سلامت و عافیت زندگی کنند. یک روز یک کشوری را تحریک میکنند، یک کسی مثل صدام را تحریک میکنند، آن‌جور قضایای سخت و تلخ به وجود می‌آید؛ یک روز او نیست، پشتیبان‌هایش هم نیستند، محبت بین دو کشور می‌شود مثل راه‌پیمایی اربعین که خود شماها از نزدیک دیده‌اید؛ یعنی مسئله این جوری است، و با دیگر کشورها هم همین‌جور است. حضور خود آن کسانی که امروز دم از آرامش منطقه می‌زنند و دروغ می‌گویند، اساس اصلی مشکلات این منطقه است. ما امیدواریم که به توفیق الهی، با همت بلند ملت ایران و با کمک از الهامات انقلاب اسلامی و با همکاری دیگر ملتها، شر دشمنان را از این منطقه ان‌شاءالله کم کنیم.

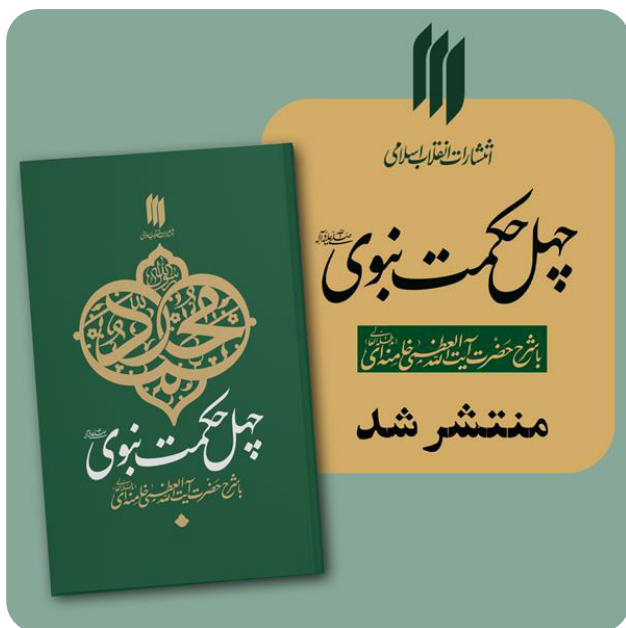
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

لکن عامل اصلی، فرد نخبه است. دنبال خیزش علمی باشید و این جهاد شما است. البته من جلوی انواع دیگر جهاد شما را نمی‌گیرم — مثل جهاد مالی، جهاد تبیینی و امثال این‌ها — لکن جهاد عمده‌ی شما نخبگان عبارت است از همین حرکت علمی و خیزش جدید علمی و پیدا کردن تفوق علمی بر رقیبان و بدخواهان. ما باید تفوق علمی داشته باشیم؛ ما دشمن داریم. دلایلی دارد که حالا جای بحث این‌جا در این جلسه نیست؛ یعنی همه‌ی کشورها، همه‌ی ملتها، رقبایی، بدخواهانی، دشمنانی دارند، و ما بیشتر از خیلی از کشورهای دیگر. باید با تفوق علمی بر آنها غلبه پیدا کنیم، کمالینکه اگر در جایی غلبه‌ای هم داشتیم، بر اثر همین تفوق علمی و فناوری بوده. من اینجا یادداشت کرده‌ام که برتری علمی و فناوری گاهی می‌تواند دست دشمن را از ضربه وارد کردن به جمعیت‌های بزرگی مثل غزه و ضاحیه کوتاه کند. ما اگر چنانچه از لحاظ علمی مثلاً فرض بفرمایید در زمینه‌ی تسلیحات، از این [چیزی] که هستیم مبالغی جلوتر بودیم، یقیناً در اوضاع منطقه اثر می‌گذاشت، و میتوانست مانع از افروختن این آتشهای سوزنده‌ی دلها و جانها بشود یا آنها را خاموش کند. حرکت علمی، تفوق علمی، یک چنین چیزهایی هم دارد. البته علی‌العجاله هم توصیه‌ی بعدی به نخبگان، «تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان» است. تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، آنچه در پایان برنامه پیش‌بینی شده، ظاهراً سی هزار است که خوب با آن خیلی فاصله داریم. البته نشان افتخار شرکت دانش‌بنیان را نباید پایین آورد؛ نباید جوری عمل کرد، جوری شرکت تشکیل داد که به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان نباشد. بایستی به معنای

معرفی کتاب چهل حکمت نبوی

فاطمه کاظم زاده

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فیزیک دانشگاه شهید بهشتی



این کتاب برای نوجوانان و جوانانی که می‌خواهند با معارف اسلامی آشنا شوند، مفید و مناسب است و هم برای بزرگ‌ترهایی که می‌خواهند نگاهی نو و کاربردی به احادیث داشته باشند. این کتاب علاوه بر مطالعه‌ی فردی، برای جلسات گروهی، حلقه‌های معرفتی، کلاس‌های اخلاق و برنامه‌های تربیتی نیز مناسب است.

این اثر پیوندی است میان سنت نبوی و نیازهای انسان معاصر؛ پلی میان آسمان و زمین. با زبانی ساده و بدون پیچیدگی به شرح و توضیح احادیث پرداخته و آن‌ها را برای فهم همگان در دسترس قرار داده است و راهنمایی جامع برای زیست با کرامت، مهربانی، عدالت و معرفت در دنیای پرچالش امروز است.

در دنیای امروز که انسان در میان دغدغه‌ها و مسائل پیچیده‌ی زندگی از معنویت و آرامش فاصله می‌گیرد، بازگشت به سخنان پیام‌آور مهربانی‌ها می‌تواند چراغ روشنی در مسیر زندگی باشد. پیامبری که آموزگار بزرگ اخلاق، انسانیت، عدالت و معرفت است. از دعوت به صداقت و مهربانی تا هشدار نسبت به ظلم و خودخواهی، از توصیه به تفکر و علم‌آموزی تا تأکید بر کرامت انسان، همه و همه نشان می‌دهند که پیامبر اسلام نه تنها پیام‌آور دین، بلکه معمار تمدن انسانی بوده است.

سخنان او گنجینه‌ای بی‌پایان از حکمت و راهنمایی‌اند؛ گنجینه‌ای که اگر با دقت و تأمل به کار گرفته شود، می‌تواند زندگی ما را دگرگون سازد.

کتاب «چهل حکمت نبوی» مجموعه‌ای از چهل حدیث منتخب از پیامبر اکرم است که توسط آیت‌الله سید علی خامنه‌ای انتخاب، شرح و تفسیر شده‌اند. این احادیث از میان هزاران روایت، با ظرافتی دقیق برگزیده شده‌اند تا بتوانند نیازهای فکری، اخلاقی و اجتماعی انسان امروز را پاسخ دهند.

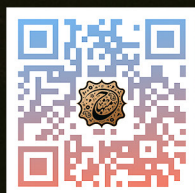
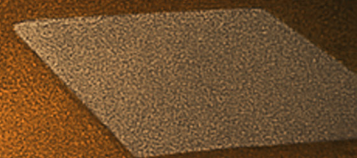
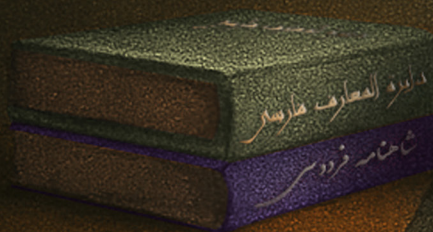
در این کتاب تلاش شده تا با بیانی ساده و قابل فهم، مفاهیم بلند و نورانی احادیث نبوی برای مخاطب امروز بازگو شود. در شرح هر حدیث، به نکات تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی آن توجه شده و نشان داده شده است که سخنان پیامبر اکرم برای گذشته نیست و در امروز و فردای ما نیز کاربرد دارد.

یکی از احادیث شریف کتاب که مصداق آموزه‌های بنیادین دین اسلام است، این سخن پیامبر درباره‌ی رحمت و مهربانی است: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

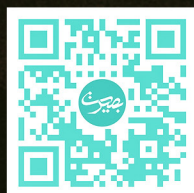
«ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ»

مهربان باشید با کسانی که در زمین‌اند تا آن‌که در آسمان است با شما مهربانی کند.

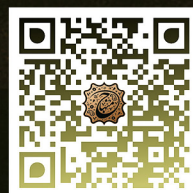
در جهانی که با خشونت، جنگ، تبعیض و بی‌رحمی مواجه است، این حدیث دعوتی است به بازگشت به انسانیت.



کانال تلگرامی منه‌اج



کانال تلگرامی نشریه



جهت عضویت در کانون